

درباره زندان

۱- در فقاقت و سنت محمدی هرگز کیفری به نام حبس وجود نداشته است الا حداکثر به مدت یک هفته بازداشت جهت تحقیق در ماهیت اتهام! و این حقیقت را همه فقها معترفند ولی عجا که زندان‌های ما تحت عنوان مجازات اسلامی مملو از زندانی است و به نسبت جمعیت کشورمان حتی از چین و هند هم که هر یک حدود یک و نیم میلیارد جمعیت دارند زندانیان بیشتری دارد. پس باید گفت که دستگاه قضائی حاکم بر کشورمان هر چه هست اسلامی نیست.

۲- بنده در تجربه چند نوبت زندانی به عینه دیدم که زندان‌های ما برآستی دانشگاه‌های تبدیل بد به بدتر و تبدیل معترض به انقلابی هستند. که در این زندان‌ها هر مجرم کوچکی تبدیل به تبه‌کاری حرفه‌ای می‌شود و به باندهای تبه‌کار ملحق می‌گردد. و اما زندانیان سیاسی و عقیدتی هم در اندک مدتی از یک منتقد و معترض معمولی به یک انقلابی قهار تبدیل می‌شوند. از این نتیجه بهتر درک می‌شود که مجازات زندان یک حکم ضداسلامی و ضدانسانی و ضداخلاقی و ضداجتماعی است.

۳- و اما آیا مسئولین قضائی کشور بر این واقعت آگاهی ندارند؟ چرا دارند ولی برایشان هیچ اهمیتی ندارد زیرا برآستی کمترین مسئولیت اجتماعی و دینی و اخلاقی ندارند و جز به حفظ قدرت و منافع مادی خود نمی‌اندیشند. و عجا که رؤسای قوه قضائیه و دادستان‌ها و اکثر قضات، روحانیون هستند. اگر این روحانیون، ذره‌ای روح می‌داشتند چنین نمی‌کردند اگر ذره‌ای مسلمانی می‌داشتند چنین نمی‌بودند.

۴- کشور ما قبل از هر چیزی دارای بحران و فقدان روح است و همه بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و عقیدتی و اخلاقی از نتایج بی‌روحي مسئولین می‌باشد که کل بدنه جامعه را هم از روح ساقط کرده‌اند. فقدان روح همان فقدان ایمان و روح الایمان است. پس جامعه ما دچار بحران مسلمانی است.

۵- می‌دانم که به‌خاطر این مطالب می‌آیند و مرا به زندان می‌برند. خیالی نیست من که بارها در زندان‌های جمهوری اسلامی مرده‌ام باز هم می‌میرم. من ندانم کی زمردن کم شدم!

۶- در دوره استبداد پهلوی، رئیس ساواک اعتراف کرده بود که: «ما معترضین معمولی را به زندان می فرستیم و پس از مدتی تبدیل به چریک های مسلح و فیلسوفانی قهار می شوند و بیرون می آیند!» این حق زندان از برای آزادیخواهان است. پس زندانی عقیدتی از حبس خود جز سود نمی برد دنیوی و اخروی!

۷- از بارزترین نشانه حماقت نظام های استبدادی و مستبدین همین زندانی کردن منتقدین و آزادیخواهان مدنی است که آنها را تبدیل به انقلابیون قهار و برانداز می کنند.

۸- آدم مستبد و زورگو، احمق است حتی اگر فقیه و فیلسوف و عارف باشد.

۹- و مستبد دینی هر چه باشد متدین نیست زیرا: لا اکره فی الدین!

۱۰- زندان قلمرو آزادی آزادیخواهان است زیرا در آنجا از هر قید و بند و مسئولیت دنیوی رها می شوند و دیگر از بیان نظر خود هراسی ندارند زیرا هر زجر و مرگی را پذیرفته اند. پس زندان اجر آزادیخواهی است.

۱۱- حاکمی که تاب تحمل نظر مخالف خود را ندارد نه عقل دارد نه دین و نه انصاف! چنین حاکمانی بودند که کشور ما را به این هلاکت کشانیده اند اعم از شاه و شیخ و از ظلّ الله تا آیت الله!

۱۲- انسان مستبد خود زندان انفرادی خویشتن است زیرا اجازه نمی دهد هیچ فکر و معنا و روح دیگری بر او وارد شود و همه را از خود می راند و طرد و لعن می کند! اینست که هر فکر غیری را زندانی می خواهد. انسان زندانی نسبت به انسان آزاد، بخیل است.

دست بردار از این در وطن خویش، غریب چشم بر بند از این در خانه خود، زندان

علی اکبر خانجانی

۱۴۰۱/۰۱/۱۲